علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۶، جلد سوم، ص ۳۱- ۲۶

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال سوم)
شماره ۱۲/ زمستان ۱۳۹۶ / ص ۳۱- ۲۶

تاملی در تقریر شهید صدر از گزاره های متافیزیکی کانت

سید ضیاء سجادی فر
طلبه سطح چهار حوزه علمیه مشهد مقدس

نویسنده مسئول:
سید ضیاء سجادی فر

چکیده
شهید صدر در کتاب فلسفتنا در مقام تقریر دیدگاه کانت درباره گزاره های متافیزیکی، بر این باور است که این گزاره ها تحلیلی است، وی برای تقریر خویش دلایل و شواهدی ذکر نموده است؛ اما با دقت و تامل در کاربردهای گوناگون از مفهوم متافیزیک و مفهوم گزاره های تحلیلی در اندیشه کانت نمی توان با ادعا و استدلال شهید صدر مبنی بر تحلیلی بودن گزاره های متافیزیکی مورد نظرکانت موافقت نمود، بلکه می توان گفت گزاره های متافیزیکی به معنای خاص آن از نظر کانت همه پیشینی ترکیبی است.

کلمات کلیدی: کانت، شهید صدر، متافیزیک، گزاره های متافیزیکی، گزاره های تحلیلی، گزاره های ترکیبی پیشینی.

علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۶، جلد سوم، ص ۳۱- ۲۶

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مقدمه

فیلسوفان تجربه گرای قبل از کانت و پوزیتویستها پس از وی گزاره های متافیزیکی را بی معنا دانسته و واقعیت حکایت شده توسط این گزاره ها را مورد شک و تردید و حتی انکار قرار دادند؛ آنها گزاره های معنا دار را به دو دسته تحلیلی مانند ریاضیات و گزاره های ترکیبی مانند علوم تجربی تقسیم می کردند و گزاره های متافیزیکی را به دلیل اینکه نه ترکیبی اند و نه تحلیلی بی معنا دانسته اند؛ از نگاه این گروه همواره گزاره های ترکیبی پسینی اند و همواره گزاره های پیشینی تحلیلی اند.

اما کانت با شکستن این دوگانه فیلسوفان تجربه گرا نوع سومی از گزاره ها را به نام گزاره های پیشینی ترکیبی ارایه کرد؛ این گزاره ها مانند گزاره های تحلیلی، پیشینی اند و از سویی مانند گزاره های تجربی، ترکیبی اند و در حقیقت کانت با ارایه چنین گزاره هایی در پی راهی برای اثبات مقوله متافیزیک بود.

شهید صدر در کتاب فلسفتنا که با رویکرد انتقادی نسبت به فلسفه های گوناگون نگاشته شده است، کوتاه و خلاصه به اندیشه کانت می پردازد؛ وی به نقل و تقریر گزاره های سه گانه کانت که عبارت است از گزاره های تحلیلی، گزاره های ترکیبی پیشینی و گزاره های ترکیبی پسینی پرداخته و در ادامه به تحلیل و نقد تفکر کانت حول این گزاره ها می پردازد ؛ در این مجال نگارنده به بررسی و نقد تقریر شهید صدر از گزاره های متافیزیکی که یکی از گزاره های سه گانه کانت است بپردازد.

گزاره های سه گانه کانت[1]

الف: گزاره های تحلیلی[2]

گزاره های تحلیلی در معنای خاص، گزاره هایی است که در آن محمول لااقل به طور ضمنی در مفهوم موضوع مندرج است که نام دیگر آن تصدیقات توضیحی است و از آن رو که محمول چیزی را چه ضمنا و چه به تصریح به موضوع علاوه نمی کند که قبلا در آن نبوده است و صدق آنها بستگی به قاعده تناقض دارد. مثال : همه اجسام دارای بعد و امتداد اند زیرا مفهوم امتداد در جسم ماخوذ است (کاپلستون، ترجمه: سعادت، اسماعیل، بزرگمهر، منوچهر، ۱۳۸۹ ،ج۶ ،ص۲۳۶).

گرچه گزاره های تحلیلی در معنای عام نیز به کار رفته است به این معنا که علاوه بر اینکه محمول در مفهوم موضوع مندرج است می تواند از لوازم موضوع باشد(ملکیان، ۱۳۷۸، ج۳ ، ص۱۰۷ ؛ ابوترابی، ۱۳۸۶ ،ص۱۹) چه لازم بین بمعنی الاخص یا لازم بین بمعنی الاعم یا لازم غیر بین.

ب: گزاره های ترکیبی[3]

گزاره های ترکیبی گزاره هایی است که محمول در مفهوم موضوع مندرج نیست لذا آنها را گزاره های توسیعی یا تزییدی می نامند، زیرا هر چیزی را بر مفهوم موضوع علاوه میکنند؛ به نظر کانت گزاره(همه اجسام وزن دارند) ترکیبی است، زیرا مفهوم وزن یا سنگینی در مفهوم جسم من حیث هی هی داخل نیست.

این گزاره ها خود به دو قسم اند:

- ترکیبی پسینی[4]:در این گزاره ها رابطه ای که بین موضوع و محمول وجود دارد گاهی به وسیله تجربه حاصل می شود که به آن پسینی ترکیبی گویند مثلا گزاره « کلیه اعضای فلان قبیله کوتاه قدند» رابطه بین کوتاهی قد و عضویت در قبیله فقط در تجربه به دست می آید، از نظر کانت این فقط یک امر واقع بالامکان و غیر ضروری است.
- ترکیبی پیشینی[5]: اما به عقیده کانت نوع دیگری از گزاره های ترکیبی هست که در آن رابطه بین محمول و موضوع هر چند با تحلیل صرف مفهوم موضوع معلوم نمی شود با این حال ضروری و قطعا کلی است اینها گزاره های پیشینی ترکیبی نامیده می شوند مانند« هر چه حادث است علت دارد».

این گزاره ها در عین ترکیبی بودن پیشینی است؛ ترکیبی است چون علت داشتن، در مفهوم حادث داخل نیست؛ پیشینی است چون اتصاف به ضرورت و کلیت دارد و به صورت تجربی داده نشده است(کاپلستون، ترجمه: سعادت، اسماعیل، بزرگمهر، منوچهر،۱۳۸۹ ،ج۶ ،ص۲۳۷).

---

[1]. Kant
[2]. Analytic proposition
[3]. Synthetic proposition
[4]. A posteriori synthetic
[5]. A priori synthetic

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

دلیل کلیت و ضرورت گزاره های پیشینی ترکیبی این است که محمول از لوازم موضوع به شمار می آید، با توجه به این ویژگی می توان گزاره های یاد شده را به معنای عام تحلیلی دانست.

متافیزیک[۶] در اندیشه کانت

از مجموع نوشته های کانت درباره متافیزیک[۷] می توان نتیجه گرفت که کانت متافیزیک را در سه مورد به کار گرفته است:

الف: موضوع متافیزیک وجود به طور کلی(امور عامه)

ب: متافیزیک علم به موجودات غیر مادی و مجردات(الهیات به معنی الاخص)

ج: متافیزیک علم اصول نخستین معرفت بشری است اصولی که اصول همه علوم دیگر از آن مشتق می شود (قوام صفری، ۱۳۸۸، ص۳۴۱)

از نظر کانت متافیزیک به معنای سوم به عنوان معرفت و دانش امکان دارد؛ اما متافیزیک به معنای نخست و معنای دوم، گرچه به عنوان یک گرایش در انسان موجود است؛ اما نمی توان بدان به عنوان دانش و معرفت امیدوار بود(کانت، ترجمه: حداد عادل, غلامعلی، ۱۳۶۷، ص۱۱). متافیزیک به دو معنای نخست مورد توجه این مجال است و معنای سوم از مورد بحث خارج است.

تقریر شهید صدر

شهید صدر در ابتدا به گزاره های سه گانه کانت اشاره می کند؛ وی گزاره های تحلیلی کانت را گزاره هایی می داند که مفهوم محمول در درون مفهوم موضوع وجود دارد و در حقیقت در این قسم معرفت جدیدی نمی دهد و این گزاره ها بیشتر جنبه توضیحی و تفسیری دارد. گزاره های متافیزیکی چنین گزاره هایی اند.

در ادامه به گزاره های ترکیبی اشاره نموده که گزاره های ترکیبی گزاره هایی است که برخلاف گزاره های تحلیلی محمول چیز تازه ای به موضوع می افزاید نه اینکه از تحلیل مفهوم موضوع پدید آمده باشد، سپس به گزاره های ترکیبی پیشینی یا اولی و گزاره های ترکیبی پسینی اشاره می کند، وی گزاره های ترکیبی پیشینی کانت را گزاره هایی می داند که پیش از تجربه در نزد عقل بوده اند، مانند گزاره های ریاضی؛ هم چنین گزاره های ترکیبی پسینی را به عنوان گزاره های پس از تجربه در نزد عقل تقریر می کند، مانند حکم به اینکه نور خورشید سنگ را گرم می کند؛ گزاره های علوم تجربی، این گونه اند.(الصدر، ۱۴۲۵، ص۱۲۶).

آنچه که در تقریر شهید صدر قابل تامل و بررسی است اینکه وی گزاره های متافیزیکی را از نظر کانت تحلیلی می داند؛ بنا بر این باید به مفاهیمی همچون متافیزیک و گزاره های تحلیلی و در نتیجه ادعای شهید صدر مبنی بر تحلیلی بودن گزاره های متافیزیکی و هم چنین به استدلال وی نسبت به ادعای یاد شده اشاره نمود و آن را مورد بررسی قرار داد.

---

[6]. Metaphysic

[۷].گارنده تقریرهای مختلفی از اصطلاح متافیزیک در فلسفه کانت را جستجو نموده است که به این ترتیب است:

الف: برخی متافیزیک را سه قسم دانسته اند: ۱- متافیزیک به معنای وجود به طور کلی ۲- علم به موجودات غیر مادی(مجردات) ۳- علم اصول نخستین معرفت بشری؛ ما بعد الطبیعه چگونه ممکن است، قوام صفری، مهدی، ص۳۴۱.

ب: و برخی دیگر متافیزیک را در دو معنی به کار بردند:۱- نقد یعنی فحص و جستجو از عناصر اولیه معرفت و عمل که جنبه اولی را متافیزیک پدیده ها و جنبه دوم را متافیزیک اخلاق و نقد عقل عملی می داند؛ ۲- علم و دانش که غرض از آن بحث در موضوعاتی است که خارج از قلمرو تجربه هستند. فلسفه ما یا بررسیهای بنیادی، صدر، سید محمد باقر، ترجمه و شرح از سید محمد حسن مرعشی شوشتری، پاورقی مترجم، ص۲۲۱.

برخی نیز معنای اول متافیزیک را تحقیق در توانایی عقل در مورد معرفت پیشینی محض را فلسفه نقدی می نامند در حالیکه عرضه منظم کل معرفت فلسفی را که به وسیله قوه عقل محض حاصل یا قابل حصول باشد، معنای دیگر آن به کل فلسفه محض از جمله فلسفه نقدی است و این اصطلاح به معنای معرفت ادعایی یا توهمی به حقایق فوق حس استعمال وی شود. تاریخ فلسفه ،کاپلستون، فردریک چالز، ترجمه: سعادت، اسماعیل، بزرگمهر، منوچهر، ج۶ ص۲۳۳.

برخی نیز از متافیزیک چنین تعبیر می کنند: متافیزیک عام که علم عقل نظری کامل مستقل است که از همه تعلیمات تجربی فراتر می رود و صرفا مبتنی بر مفاهیم است، بدین معنا متافیزیک برای کانت عرضه منظم کل معرفت فلسفی است که به وسیله قوه عقل محض قابل حصول باشد پیدا است که با این معنا عام و شامل خود فلسفه نقادی را نیز می توان جزیی از متافیزیک یا مقدمه لازم آن محسوب کرد.

متافیزیک خاص یا اخص که در آن علاوه بر مفاهیم طبیعت که همواره در تجربه مورد استفاده قرار می گیرد بلکه مفاهیم عقل محض نیز که هرگز از هیچ تجربه ممکنی مستفاد نیست مورد نظر است و آن مفاهیمی است که واقعیت عینی یعنی موهوم صرف نبودن آنها و تصدیقاتی است که صحت و سقم آنها هرگز با هیچ تجربه ای نمی تواند تایید یا کشف گردد، مضافا بر اینکه غرض اصلی از متافیزیک همین قسمت آن است. کانت، ایمانوئل، تمهیدات، ترجمه: حداد عادل, غلامعلی، ص۱۰.

نگارنده به دلیل تفکیک شفاف در تقسیم بندی اول تقسیم یاد شده را در مقاله آورده است.

علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۶، جلد سوم، ص ۳۱- ۲۶

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

ادعای تحلیلی بودن گزاره های متافیزیکی کانت

متافیزیک در تقریر شهید صدر

با توجه به کاربردهای مختلف متافیزیک در فلسفه کانت، به نظر می رسد در نگاه شهید صدر متافیزیک مورد نظر کانت به معنای فلسفه اولی مورد توجه باشد، چرا که متافیزیک را قسیم فیزیک (طبیعیات) و ریاضیات قرار داده است، بنا بر این فهم شهید صدر از متافیزیک و گزاره های متافیزیکی گزاره های فلسفی(الهیات بمعنی الاعم) است که شامل امور عامه و الهیات بمعنی الاخص می شود (همان، ص۱۳۰)اما با کمی تامل می توان گفت که شهید صدر در جایی دیگر متافیزیک را علم به موجودات ماوراء مادی(خدا – نفس- اراده) میداند[۸]، در عبارتی شهید صدر می نویسد« ولیست الأشیاء التی تتناولها المیتافیزیقا - وهی الله والنفس والعالم - کذلک، فان المیتافیزیقا لا تعالج أمورا ذهنیة، وانما تحاول البحث عن أشیاء موضوعیة قائمة فی نفسها»

به نظر میرسد که در نوشته های شهید صدر ناهمسانی در درک از مفهوم متافیزیک مورد نظر کانت وجود دارد؛ اما در هر صورت برآیند نگاه شهید صدر را می توان در فلسفه اولی یعنی علم به موجودات مجرد فهم نمود.

گزاره های تحلیلی در تقریر شهید صدر

مراد شهید صدر از گزاره های تحلیلی همان گزاره های تحلیلی به معنای خاص است یعنی محمول در مفهوم موضوع وجود دارد و از آن انتزاع می شود که گذشت.

در نتیجه می توان گفت که شهید صدر مدعی است گزاره های متافیزیکی به معنای فلسفه اولی(الهیات بمعنی الاخص)،گزاره های تحلیلی به معنای خاص آن است.

استدلال شهید صدر بر تحلیلی بودن گزاره های متافیزیکی کانت

شهید صدر در کتاب فلسفتنا اشاره می کند که کانت رسیدن به معرفت را از راه عقل نظری محال میداند و هر گونه کوششی را برای ایجاد معرفت متافیزیکی که بر اساس فلسفی به کار برده می شود بی پایه و بی ارزش می داند زیرا در گزاره های متافیزیکی چیزی از گزاره های ترکیبی پیشینی و ترکیبی پسینی وجود ندارد.

اما گزاره های ترکیبی پیشینی؛ چون گزاره هایی هستند مستقل از تجربه تنها درباره موضوعاتی صحیح هستند که نفس به صورت فطری آنها را به وجود آورده باشد و در ذهن بدون تجربه وجود داشته باشد، مانند زمان و مکان که هر دو موضوع علوم ریاضی اند، و اشیایی را که متافیزیک مورد بحث قرار می دهد امور ذهنی نیستند بلکه امور واقعی و مستقل از نفس هستند.

اما گزاره های ترکیبی پسینی آنها نیز گزاره هایی هستند که موضوعات علوم طبیعی که در قلمرو تجربه قرار دارند و به این اعتبار که نیازمند به تجربه هستند آنها را پسینی گویند و بدیهی است موضوعاتی که در متافیزیک مورد بحث قرار می گیرند تجربی نبوده و بنا بر این ممکن نیست حکم ترکیبی پسینی در آنها جاری گردد

و به این ترتیب برای متافیزیک قلمروی از نظر احکام باقی نمی ماند مگر احکام تحلیلی یعنی شرحها و تفسیرهایی که برای مفاهیم متافیزیکی می شود و این احکام معرفت حقیقی به هیچ وجه نیستند؛ در نتیجه در تقریر شهید صدر نظر کانت این است که ادراکات اولی علوم قائم به ذات که دارای وجودی مستقل از تجربه باشند نیستند بلکه یک سلسله روابطی هستند که به تنظیم اشیاء و بستگی پاره ای ازآنها به پاره ای دیگر کمک می کند و تنها نقش آنها آنستکه اشیاء تجربی را در چارچوبه مخصوص خود در می آورند تا به این وسیله توانسته باشیم آنها را ادراک نماییم.

به این ترتیب بدیهی است که متافیزیک از ارزش ساقط می شود زیرا ادراکات اولی جنبه علمی ندارند بلکه یک سلسله روابط هستند و در صورتی جنبه علمی پیدا میکنند که موضوعی داشته باشند که ذهن آنرا پدید آورده باشد و یا تجربه آنرا درک کرده باشد و موضوعات متافیزیکی از هر دو جنبه خالی هستند[۹].

---

[۸]. ولیست الأشیاء التی تتناولها المیتافیزیقا - وهی الله والنفس والعالم - کذلک، فان المیتافیزیقا لا تعالج أمورا ذهنیة، وانما تحاول البحث عن أشیاء موضوعیة قائمة فی نفسها.همان ص۱۳۰.

[۹]. الثالثة المیتافیزیقا ویری (کانت) استحالة التوصل فیها إلی معرفة عن طریق العقل النظری، وان أی محاولة لإقامة معرفة میتافیزیقیة علی أساس فلسفی هی محاولة فاشلة لیست لها قیمة، وذلک انه لا یصح فی القضایاالمیتافیزیقیة شیء من الاحکام الترکیبیة الأولیة والاحکام الترکیبیة الثانویة. اما الاحکام الترکیبیة الأولیة فهی لما کانت احکاما مستقلة عن التجربة، فلا تصح الا علی موضوعات مخلوقة للنفس بصورة فطریة وجاهزة فی الذهن بلا تجربة، کموضوعی العلوم الریاضیة من الزمان والمکان، ولیست الأشیاء التی تتناولها المیتافیزیقا - وهی الله والنفس والعالم - کذلک، فان المیتافیزیقا لا تعالج أمورا ذهنیة، وانما تحاول البحث عن أشیاء موضوعیة قائمة فی نفسها.وأما الاحکام الترکیبیة الثانویة فهی الاحکام التی تعالج موضوعات تجریبیة،کموضوعات العلوم الطبیعیة التی تدخل فی المیدان التجریبی. ولذلک صارت ثانویة باعتبار احتیاجها إلی

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

نقد ادعای شهید صدر

کانت به دو معنای کلی از متافیزیک اشاره می کند و متافیزیک به معنای فلسفه اولی را به عنوان دانش و معرفت غیر ممکن می داند و متافیزیک به معنای اصول بنیادین معرفت را ممکن می داند و کانت تمام گزاره های متافیزیکی از نوع دوم را پیشینی ترکیبی می داند.

متافیزیک به معنای فلسفه اولی نیز به دو قسم امور عامه و الهیات به معنی الاخص تقسیم می گردد؛ از نظر کانت گزاره های فلسفی به معنای امور عامه دارای گزاره های تحلیلی و ترکیبی پیشینی است؛ گزاره های تحلیلی مانند« جوهر آنست که فقط به عنوان موضوع وجود دارد» و گزاره های ترکیبی پیشینی مانند«هر آنچه در اشیاء جوهر است ثابت است» (کانت، ترجمه: حداد عادل، ۱۳۶۷،ص۱۰۳) ؛اما الهیات به معنی الاخص از نظر کانت همان علم به موجودات فراحسی مانند خدا، نفس و جاودانگی است و گزاره های متافیزیکی به معنای یاد شده تماما پیشینی ترکیبی است نه تحلیلی (همان، ص۱۰۴).

بنا بر این اگر مراد شهید صدر از گزاره های متافیزیکی متافیزیک به معنای امور عامه باشد مدعای ایشان کلیت ندارد[۱۰]؛ اما اگر مراد وی از فلسفه اولی فقط الهیات به معنی الاخص باشد مدعاشان نقد پذیر است چون تمام گزاره های الهیات به معنی الاخص ترکیبی پیشینی است نه تحلیلی[۱۱].

اگر کسی گوید که مراد شهید صدر از گزاره های تحلیلی تحلیلی به معنای عام است تا گزاره های ترکیبی پیشینی را هم در بر گیرد؛ نمی توان پذیرفت چون مطابق با آنچه که شهید صدر از تعریف کانت درباره گزاره های تحلیلی آورده است تحلیلی به معنای خاص آن است نه تحلیلی به معنای عام؛ گرچه تعریف گزاره های تحلیلی به معنای عام با ادعای شهید صدر تناسب دارد.

نقد استدلال شهید صدر

استدلال شهید صدر این است که چون گزاره های متافیزیکی تجربی نیست، بنا بر این باید پیشینی باشد، این بیان درست است، اما اینکه گزاره های متافیزیکی از امور واقعی مستقل از نفس حکایت میکند پس باید تحلیلی باشد نمی توان موافقت نمود چرا که گزارهای تحلیلی هیچ حکایتی از عالم واقع نمی کند و گزاره های پیشنی ترکیبی در متافیزیک(موجودات مجرد) دارای ویژگی حکایت گری از واقعیت های غیر تجربی است واقعیتهایی که نفس انسان بدون تجربه و مشاهده حسی به وجود آنها معترف است مانند خدا، نفس و اراده.

نکته دیگر اینکه گزاره های تحلیلی در صورت صدق یک طرف گزاره طرف دیگر ضرورتا کاذب است اما در گزاره های متافیزیکی از نظر کانت امکان صدق طرفین قضیه وجود دارد و در حقیقت عقل به دو حکم متناقض می رسد و هیچ کدام از طرفین گزاره ترجیح معرفت شناختی بر دیگری ندارد، مانند این گزاره که نفس جاودان است و نفس جاودان نیست هر کدام از دو گزاره یاد شده را نمی توان تحلیلی دانست بلکه ترکیبی پیشینی است چرا که مفهوم نفس به خودی خود نه مفهوم بقا را در بر دارد و نه مفهوم فنا را، و مفهوم فنا و بقا و ارتباط آن با نفس ناشی از تجربه نیست بلکه ذهن بدون داده های حسی حکم صادر می کند[۱۲]، بنا بر این از نظر کانت در قلمرو متافیزیک گزاره ها ترکیبی پیشینی است نه تحلیلی (مجتهدی، ۱۳۶۷، ص۷۳) .

التجربة، ومن الواضح ان مواضيع الميتافيزيقا ليست تجريبية فلا يمكن ان يتكون فيها حكم تركيبي ثانوي، ولا يبقى للميتافيزيقا بعد ذلك متسع الا للاحكام التحليلية، أي الشروح والتفاسير للمفاهيم الميتافيزيقية، وهذه الاحكام ليست من المعرفة الحقيقية بشيء، كما عرفنا سابقا. فلسفتنا، الصدر، الشهيد السيد محمد باقر الصدر ص۱۲۹.

[۱۰]. کانت بر خلاف هیوم که قضایا را به دو دسته تحلیلی و ترکیبی تقسیم نمود نوع دیگری که پیشینی ترکیبی خوانده می شود اعتقاد داشت و معتقد بود که این نوع قضایا هم در ریاضیات و هم در علوم طبیعی و هم در متافیزیک به کار می روند. کتاب فلسفه(مسایل فلسفی، مکتبهای فلسفی، مبانی علوم) شریعتمداری، علی، ص۲۲۱.

[۱۱].کل قضایا از دیدگاه هیوم دو قسم اند(تحلیلی و ترکیبی) و از دیدگاه کانت سه قسم اند حال چون فرد قوی چون هیوم یک قسم(که تحلیل نباشد در عین حال مقدم بر تجربه) را نفی کرده کانت با زحمت فراوان می خواهد اثبات کند که چنین قسمی وجود دارد قضایای فلسفی از دیدگاه کانت چنین قضاییی هستند. تاریخ فلسفه ، ملکیان ، مصطفی، ص۹۳ ؛ تمهیدات، کانت، ایمانوئل ترجمه: حداد عادل, غلامعلی ص۱۰۴.

[۱۲]. درباره خدا هم بر اساس نظر کانت می توان گزاره خدا وجود دارد یا خدا وجود ندارد را چنین دانست که دو طرف گزاره دارای ارزش معرفتی یکسانی است و هیچ کدام بر دیگری ترجیح معرفت شناختی ندارد، به دلیل اینکه به لحاظ معرفتی نمی توان وجود را در مفهوم خدا ضروری دانست، از سویی دیگر اگر خدا را به موجودی که عدم برای آن ممکن نیست تعریف نمودیم مانند مثلث که چیزی که دارای سه گوشه است، در تعریف مثلث ضرورت منطقی بین موضوع یعنی مثلث و محمول یعنی دارای سه گوشه وجود دارد چرا که بر اساس معیار کانت فرض مثلث در ذهن یا در خارج با سلب سه گوشه بودن از آن مستلزم تناقض است، ولی در مورد خدا و تعریف خدا اگر گفتیم خدا چیزی است که عدم برای وجود او ضرورت ندارد چنین تناقضی از سلب محمول به دست نمی آید چرا که تصور خدا با نفی وجود از او ممکن است همانگونه که بسیاری با تصور خدا منکر وجود او هستند بدون اینکه احساس تناقض به آنها دست دهد و بر فرض که ضرورت منطقی گزاره را بپذیریم نمی توان از آن، ضرورت وجودی را اثبات نمود مانند مثلث که ضرورت منطقی بین مثلث و سه گوشه بودن را بپذیریم نمی توان اثبات وجود خارجی چنین مثلثی را نمود. متافیزیک ، مهدی حایری یزدی به کوشش عبدالله نصری ص۸۰.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

نتیجه گیری

۱- مراد شهید صدر از گزاره های متافیزیکی کانت گزاره های فلسفی در مقابل گزاره های ریاضی و گزاره های طبیعی و الهیات به معنی الاخص است.

۲- مراد شهید صدر از گزاره های تحلیلی کانت، گزاره های تحلیلی به معنای خاص آن است.

۳- شهید صدر گزاره های متافیزیکی(الهیات به معنی الاخص) را گزاره های تحلیلی به معنای خاص می داند.

۴- کانت گزاره های متافیزیکی را پیشینی ترکیبی می داند نه تحلیلی به معنای خاص، گرچه می توان این گزارها را تحلیلی به معنای عام دانست.

منابع و مراجع

۱- فلسفه ما یا بررسیهای بنیادی، صدر، سید محمد باقر، ترجمه و شرح از سید محمد حسن مرعشی شوشتری، انتشارات صحیفه، بی جا، ۱۳۵۱.

۲- ما بعد الطبیعه چگونه ممکن است، مهدی قوام صفری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸، تهران.

۳- کاپلستون، فردریک چالز، تاریخ فلسفه، ترجمه: سعادت، اسماعیل، بزرگمهر، منوچهر، ج۶، ویرایش ششم، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.

۴- کانت، ایمانوئل، تمهیدات، ترجمه: حداد عادل, غلامعلی، ویرایش اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.

۵- مجتهدی، کریم، فلسفه نقادی کانت، ویرایش هفتم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸.

۶- تاریخ فلسفه غرب، ج۳، ملکیان، مصطفی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.

۷- کتاب فلسفه(مسایل فلسفی، مکتبهای فلسفی، مبانی علوم) دکتر علی شریعتمداری انتشارات قایم اصفهان دروازه دولت.

۸- کاوشی در تعاریف قضایای تحلیلی و ترکیبی احمد ابوترابی مجله معرفت فلسفی ش۱۹– تابستان۱۳۸۶.

۹- متافیزیک، حائری یزدی، مهدی، به کوشش عبدالله نصری، www.rasekhoon.net.

۱۰- فلسفتنا، الصدر، الشهید السید محمد باقر الصدر، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۵ ق.